



دفترگانه در زمینه آموزش

تعلیم و تربیت بنفسه هدف نیست بلکه وسیله و ابزاری است که آن را از روی آگاهی و استعمار و حتی بدون آن میتوان مورد استفاده قرار داد .

گاندی اعتقاد داشت که عنصر کلیدی برنامه او
زی است که آموزش پایه‌ای نام دارد .

فراوان دزدان و کلاهبرداران تحصیل کرده در بخشهای مختلف جهان موبد آن است . تربیت اگر تنها شامل انباشتن معلومات در بین طبقات محصلان باشد موجب ایجاد شکاف بین تحصیل کرده و مردم و هم سبب آن میشود که مردم از فرهنگ سنتی خود دور بمانند .

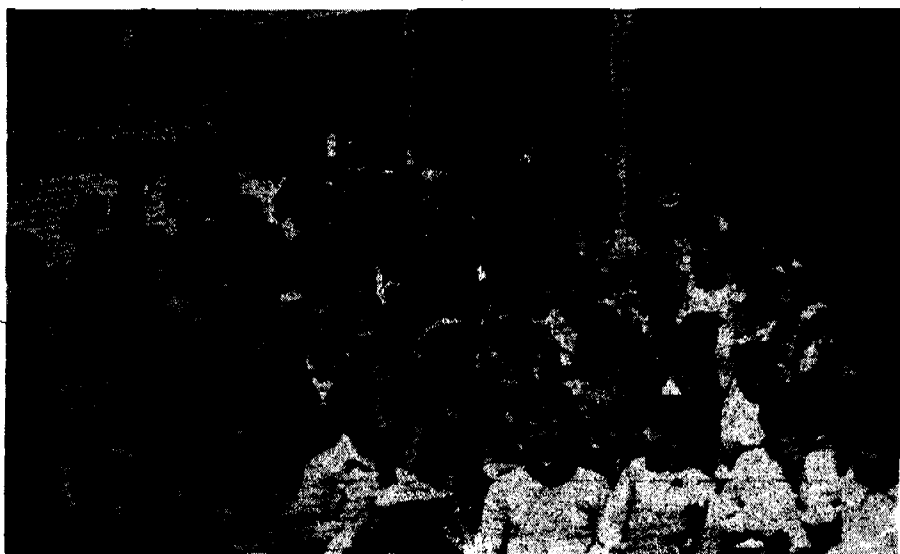
زمینه آموزش و پرورش کوه از خلال نوشته‌ها و سخنرانیهای مطرح شده است عرضه میداریم . او میگوید : تعلیم و تربیت بنفسه هدف نیست بلکه وسیله و ابزاری است که آن را از روی آگاهی و استشعار وحتى بدون آن میتوان مورد استفاده قرار داد . و دانش بدون اخلاق نیروئی است در اختیار شر و بدی و موارد متعدد و

از مهاتما گاندی ، رهبر استقلال هند بیش از هر چیز بعنوان استوانه‌ای در سیاست عدم خشونت و مبارزه برای استقلال یاد میشود . در حالیکه او در زمینه‌های دیگر نیز نظرات و دیدگاههایی دارد که در مواردی بسیار قابل ذکر و ارائه‌اند . او با سیاست عدم خشونت باب مبارزه‌ای بس عظیم را در دستیابی به عدالت اجتماعی ، تفاهم برادری و آزادی به روی مردم هند گشود و الحق که پدران استعمار انگلیس را به زانسو در آورد .

گاندی اعتقاد داشت که عنصر کلیدی برنامه او چیزی است که آموزش پایه‌ای نام دارد . او میگفت من درباره آموزش افکار غربی دارم که باب طبع همگان نیست و اگر این اندیشه‌ها دیوانه وار تلقی گردند در آنصورت این من هستم که باید از جامعه طرد شوم . اما اگر از من خواسته شود که بدون پیاده کردن برنامه خود برای استقلال هند عمل کنم درست مانند این خواهد بود که از فردی که دستهایش فلج است خواسته شود قاشقی را بلند کند . ما اینک برخی از نظرات او را در



در آن نظام آموزشی که موفق نمی‌شود اسلحه لازم را برای مبارزه علیه شر و بدی ، خواه مفاسد اجتماعی و خواه غیر آن در اختیار دختران و پسران قرار دهد مطمئناً " ایرادی اساسی وجود دارد ، تنها آموزشی ارزشمند است که در شاگردان استعدادها و توانائیهای را بسط و گسترش دهد که آنان بحل صحیح مسائل زندگی قادر گردند .



جریان بازی اخذ و درک میکند و بر این اساس بازی یکی از قسمتهای اساسی آموزش است... امروزه بسیاری از اندیشه‌های گانندی که در دوران حیات او احیاناً "عجیب و غریب بحساب می‌آمدند معتبر و حکیمانه شناخته میشوند. او هم چنان طرفدار آموزش عملی جوانان، روستائی کردن آموزش و رعایت احترام و توجه به سنن محلی و مبلغ و طرفدار زندگی ساده، مبتنی بر خودکفائی بود، نه بستگی فزاینده. او براهمیت تغذیه خوب و رعایت روشهای بهداشتی برای بهبود تندرستی فقراء تاکید مینمود و ما میدانیم که اینها افکاری منطقی و سازنده هستند.

از سوی دیگر وجود عده بسیاری از فارغ التحصیلان در دنیای کنونی که تن به قاچاق مواد مخدر انواع جرائم از قبیل دزدی، تجاوز، قتل نژاد پرستی، ترور و خرابکاری میدهند مویذ صحت نظرات گانندی در امر تعلیم و تربیت می‌باشد.

او میگفت تعلیم و تربیت باید معلومات و اطلاعات روشنگرانه، ارزشهای سازنده اخلاقی را مرکز

آموزش باید در جهت وطن دوستی (نه وطن پرستی - مترجم) سوق داده شود، روحیه خدمت را در مردم برانگیزاند - و آنچه که من از آموزش می‌فهمم عبارتست از بارور کردن کامل بهترین چیزهایی که انسان در فکر و روح خود آن را واجد است.

دانش و سواد مدرسه‌های بدون عمل همانند بدن مومیائی شده است، که میتواند مورد تماشا قرار گیرد ولی نمی‌تواند منبع الهام و عامل رفعت آدمی باشد. و من بیشترین اهمیت را برای تحصیلات ابتدائی قائلم این آموزش واقعی کودک از همان لحظه تولد آغاز میگردد. ما تحت تاثیر یک فکر خرافاتی هستیم و آن این است که گمان داریم کودک در پنجسال اول زندگی چیزی برای یاد گرفتن ندارد در صورتی که واقعیت این است هیچ کودکی، هرگز به اندازه آنچه راکه در پنج سال اول یاد میگیرد چیز یاد نخواهد گرفت.

کودک مفاهیم اولیه اطلاعات و معلومات را در

و این مطلب در اعلامیه حقوق بشر به این صورت بیان شده است :

کودک باید از تعلیم و تربیتی استفاده کند که به فرهنگ عمومی او کمک نموده و به او این امکان را بدهد که در شرایط و امکانات برابر استعدادات و قضاوت شخصی و حس مسئولیت های اخلاقی و اجتماعی خود را رشد داده و عضو مفیدی برای جامعه شود . کودک باید با روح تفاهم و اغماض و دوستی بین ملتها و صلح و برادری جهانی تربیت گردد و این احساس در او ایجاد شود که انرژی و مهارت خود را در جهت خدمت بهمنوعان بکار اندازد . اگر گاندی زنده بود مسلماً " از این اعلامیه بگرمی استقبال میکرد . (ضمناً " باید متذکر شویم که در ۱۵ قرن قبل ، حدود ۱۴۰۰ سال پیش از گاندی اسلام در زمینه حقوق کودک و از جمله حق تربیت او نظرات ذی قیمتی دارد که الهام بخش تهیه کنندگان اعلامیه حقوق بشر بود و هم اکنون آن نظرات را در کتب تربیت اسلامی بصراحت و وسعت می بینیم - مترجم

ذهن سازد . در غیر اینصورت محصول این تحصیل و تربیت چیزی جز هرج و مرج اخلاقی و فکری نخواهد بود . هم چنین تلاش و کوششی که امروزه برای تاسیس مدارس جامع الاطراف بویژه در جهت رشد و گسترش اندیشه های صلح خواهانه بعمل می آید بیانگر کوششی است که برای گسترش حس مسئولیت های اخلاقی و اجتماعی کودکان معمول میگردد .

نظرات سازمان ملل ، یونسکو و یونیسف در زمینه آموزش ، از جهات متعدد با افکار گاندی مطابقت دارد . در سال ۱۹۵۹ یعنی ده سال پس از درگذشت گاندی ، مجمع عمومی سازمان ملل با توافق آراء اعلامیه حقوق بشر را تصویب کرد و مادر آن بخشی از نظرات گاندی را هم میبایم از جمله در زمینه حق کودک در رشد شخصیت و نیاز او به تفاهم و محبت برای وصول به این هدف است .

سند مذکور هم چنان اشعار دارد که آموزش حق کودک است و او باید از کلیه امکانات در جهت وصول به اهداف آموزشی بهره مند باشد

